

یک تجربه فرهنگی در بوستان بزرگ منطقه ما نشان داد این فضای عمومی می‌تواند میزبان برنامه‌های مذهبی باشد

روضه زیر آسمان «بهار»

۳



عیدگاه

و مذهبی زنده نگه داریم، زمینه حضور خانواده‌ها بیشتر فراهم می‌شود و فضا برای بروز آسیب‌های اجتماعی محدودتر خواهد شد.

● فرصتی برای جذب مخاطبان جدید

طاهره درودی، ساکن خیابان رسالت ۷۲ و از مداحان این مراسم است. او می‌گوید: خانه ما فقط یکی دو کوچه با بوستان بهار فاصله دارد. دوشنبه صبح، بعد از اینکه برنامه ورزش همگانی حدود ساعت ۷:۳۰ به پایان رسید، مراسم را با قرائت زیارت عاشورا آغاز کردیم و بعد هم با مداحی و روضه خوانی ادامه دادیم.

او استقبال بانوان را فراتر از انتظار توصیف می‌کند و می‌گوید: با اینکه این برنامه فقط یک روز برگزار شد، استقبال خیلی خوبی از آن شد. بانوانی که برای ورزش آمده بودند، با علاقه در مراسم ماندند و فضای بسیار صمیمانه‌ای شکل گرفت. بیشتر شرکت‌کنندگان از ما می‌خواستند این برنامه هر روز یا دست کم هفته‌ای دو یا سه بار برگزار شود.

درودی معتقد است برگزاری برنامه‌های مذهبی در بوستان‌ها می‌تواند مخاطبان بیشتری را جذب کند. او می‌گوید: بوستان یک فضای عمومی است و افراد مختلف برای ورزش، پیاده روی یا استراحت به آن می‌آیند. شاید همه به مسجد یا حسینیه نروند، اما وقتی مراسم در بوستان برگزار می‌شود، افراد بیشتری با آن همراه می‌شوند و حتی بانوانی که کمتر در برنامه‌های مذهبی شرکت می‌کنند، جذب این فضا خواهند شد.

او ادامه می‌دهد: موضوع را با مدیران بوستان در میان گذاشتیم و خوشبختانه از این پیشنهاد استقبال کردند. قرار شد تا پایان ماه صفر، دوشنبه‌ها بوستان بانوان بهار میزبان برنامه‌های فرهنگی باشد.

● راهی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی

او یکی از دلایل انتخاب بوستان برای برگزاری این برنامه‌ها را محدود بودن فضای مساجد محله عنوان می‌کند و می‌افزاید: مساجد محله ظرفیت پذیرش این تعداد جمعیت را ندارند. از سوی دیگر، فضای باز و خنک بوستان باعث شده است خانواده‌ها با آرامش بیشتری در برنامه‌ها حضور پیدا کنند. نماینده بانوان شورای اجتماعی محله بلال در پایان تأکید می‌کند: هرچه بتوانیم بوستان‌ها را با برنامه‌های فرهنگی

محمدرضا فیضی همه چیز از مراسم ساده شیرخوارگان حسینی آغاز شد؛ مراسمی که بدون تبلیغات گسترده و تنها با اطلاع‌رسانی محدود در پارکینگ شماره ۶ بوستان بهار برگزار شد. برگزارکنندگان تصور نمی‌کردند این دعوت کوچک، با استقبال گسترده بانوان محله روبه‌رو شود. اما عصر روز مراسم، یکی پس از دیگری مادران بانوزادان و کودکان قدونیم‌قدشان از راه رسیدند و فضای پارکینگ را به محفلی سرشار از ارادت به حضرت علی‌اصغر^(ع) تبدیل کردند. حضور پرشور خانواده‌ها نشان داد که بوستان بهار می‌تواند میزبان برنامه‌های مذهبی و فرهنگی باشد. همین استقبال و بازخوردهای مثبت، جرقه برگزاری مراسمی دیگر را در ذهن اعضای شورای اجتماعی محله بلال و فعالان فرهنگی محله زد؛ مراسمی که این بار قرار بود در فضای بوستان بانوان بهار، رنگ و بوی تازه‌ای به فعالیت‌های فرهنگی زنان محله ببخشد.

● دوشنبه‌های معنوی در بوستان بهار

معصومه فراهانی‌راد، نماینده بانوان شورای اجتماعی محله بلال، درباره شکل‌گیری این برنامه می‌گوید: سال‌های گذشته، شورای اجتماعی محله، هر هفته در بوستان بهار، برنامه‌های ورزشی و فرهنگی برگزار می‌کرد. امسال هم طبق همان روال، پیگیری اجرای برنامه بودیم اما هم‌زمانی آن با ماه محرم باعث شد ایده برگزاری یک برنامه فرهنگی و مذهبی در کنار فعالیت‌های ورزشی مطرح شود.



برش‌کاری پارچه‌ها را انجام می‌دهم.

● از ساعت کاری و دستمزدت بگو.

۸ صبح می‌روم تا ۶ عصر. فعلا که شاگردم، هفته‌ای ۲ میلیون تومان می‌گیرم.

● برای این دستمزد، برنامه‌ریزی کرده‌ای؟

می‌خواهم موبایل بخرم برای درس‌هایم. امسال که کلاس‌های مجازی بود، مادرم مجبور می‌شد گوشی‌اش را نبذد سر کار تا من در کلاس آنلاین شرکت کنم.

● پس می‌شود گفت به خاطر داشتن گوشی، سرکار رفتن را انتخاب کرده‌ای.

فقط این نیست. دوست داشتم یک حرفه رایج بگیرم و تا وقتی می‌روم دانشگاه، دستم در جیب خودم باشد.

● عصر که خسته‌ای. به برنامه‌های مسجد می‌رسی؟

خانواده خیلی تشویق می‌کنند برای شرکت در برنامه‌های مسجد و مسئولیتی که برای صوت دارم.

● کار با سیستم صوت، چه نکته‌هایی دارد؟

نکته‌های فنی‌اش را از مسئول هیئت یک سال است یاد گرفته‌ام. مهم این است قبل از شروع مراسم یعنی ساعت ۶:۳۰ عصر باید بروم مسجد تا صوت را آماده کنم. تا ساعت ۱۰ شب هم باید بمانم و وسایل را جمع کنم.

● قبل از آن هم تجربه‌های مشابهی داشته‌ای؟

فقط گاهی می‌رفتم یک مسجد در بولوار پنجم. ما را دعوا می‌کردند و می‌گفتند سروصدا نکنید. دیگر نرفتم آنجا. بعد دیدم دوستم محمد جواد مجاور، صدای اذان را که می‌شنود، بازی را ول می‌کند می‌رود مسجد قائمیه. کنج‌کاو شدم و آمدم دیدم چه مسجد خوبی است. اینجا دعوا می‌کنند و هوا ایمان را دارند.

امید محله شهید قربانی، حرفه‌آموزی را کنار مسئولیتش در مسجد، پی می‌گیرد

اراده نوجوانی در مسیر استقلال



می‌کند. از بچگی، من را با خود ش سرکار می‌برد و از حقوقی که می‌گرفت، هر چه لازم داشتم، برایم می‌خرید. خواستم اولین دستمزدم برای او باشد.

● از کودکی‌هایت که در کارگاه خیاطی گذشت، چه تصویری در ذهن داری؟

برای اینکه شیطنت نکنم، مقداری دکمه می‌ریختند مقابلم تا با چسب به کلاه‌های دوخته شده، بچسبانم.

● آرما توربندی، تنها حرفه‌ای است که از آن سردرمی‌آوری؟

کمی مکانیکی بلدم. پار سال تابستان در یک مغازه شاگرد بودم. امسال، آن مغازه دیگر شاگرد لازم نداشت. من هم یک پیشنهاد کاری دیگر داشتم و قبول کردم.

● چه کاری؟

در یک کارگاه خیاطی که در طبرسی شمالی ۱۲ است.

شهامت آکوچه پنجم ۵۴ مملو از جمعیتی است که عزاداری شب‌های محرم را زیر سقف بلند آسمان و مقابل مسجد قائمیه انجام می‌دهند. وقتی صدای سخنران، تنها برای لحظاتی از بلندگوها قطع می‌شود، همه نگاه‌ها برمی‌گردد به سمت محمد عرفان حسینی، پسرک چهارده‌ساله‌ای که مسئولیت سیستم صوت مسجد را بر عهده دارد. هر چند امید محله شهید قربانی، امسال برای چندمین تابستان متوالی، حرفه‌آموزی و اشتغال را برای داشتن آینده‌ای بهتر دنبال می‌کند. با این حال می‌گوید پیگیری برنامه‌های مسجد برایش در اولویت است و در انجام مسئولیتی که بر عهده گرفته است، کوتاهی نمی‌کند.

● حرفه‌آموزی را اولین بار، کی تجربه کردی؟

تابستان دو سال پیش، وقتی کلاس پنجم بودم، همراه پدرم رفتم آرما توربندی و از ساخت اسکلت ساختمان چیزهایی یاد گرفتم.

● اولین دستمزد را یادت هست؟

۵۰ هزار تومان بود. هدیه دادم به مادرم و آن قدر خسته بودم که بلافاصله بعد از آن، خوابم برد.

● کار سنگینی بود؟

نه. همین که صبح زود باید بیدار می‌شدم تا با پدرم ۷ صبح تا ۲ عصر، سرکار باشیم، خسته‌ام کرده بود.

● از هدیه‌ای که به مادرت دادی، بیشتر بگو.

مادرم شاغل است و در کارگاه خیاطی کار

۴

